



کارگران جهان متحد شوید!

شماره ۶۰ - خرداد ۱۳۸۶

تظاهرات در شهر های آذربایجان، مبارزه برای آزادی عدالت اجتماعی و حق تعیین سرنوشت

ما بار دیگر از خواست های انقلابی و دموکراتیک توده های مردم آذربایجان پشتیبانی کرده و آنها را به مشکل شدن در محل کار و زیست و گسترش مبارزه برای سرنوشتی رژیم ارتجاعی حاکم و بدست گرفتن سرنوشت خویش فرا میخوانیم و از کارگران، زنان و جوانان انقلابی دعوت میکنیم به سازمان اتحاد فدائیان کمونیست و به کمیته ایالتی آذربایجان پیوندند و برای تحقق آزادی، سوسیالیسم و کسب حق تعیین سرنوشت مبارزه ای سازمان یافته و هدفمندی را در پیش گیرند.

در اول خرداد امسال برغم تدابیر شدید امنیتی و دستگیریهای وسیع جوانان، روشنفکران و فعالین سیاسی مردم شهرهای مختلف آذربایجان دست به تظاهرات زدند. در این تظاهرات بار دیگر خواست های انقلابی و دموکراتیک، نظیر رفع ستم ملی، حق خواندن و نوشتن به زبان مادری، برقراری آزادیهای سیاسی و حقوق مدنی از سوی مردم تظاهر کننده مطرح شدند. از چند روز مانده به خرداد و در جریان این تظاهرات عده زیادی دستگیر شده اند که هنوز از وضعیت آنها اطلاع دقیقی در دست نیست.

برای جلوگیری از تظاهرات از چند روز قبل «پورمحمدی» وزیر کشور وارد آذربایجان شد تا اوضاع را از نزدیک کنترل کند. با استقرار نیروهای نظامی و انتظامی در شهر ها و دستگیریهای خیابانی و خانه گردی ماموران امنیتی حکومت نظامی اعلام نشده ای را برقرار کرد. اما با همه این تدابیر مردم به خیابانها آمدند و خواست ها و شعارهای خود را مطرح کردند طبق اخبار منتشره در تبریز ساعت حوالی پنج بعد از ظهر با دخالت نیروهای بسیجی و ضد شورش درگیری بین تظاهر کنندگان و نیروهای سرکوبگر منجر به تیر اندازی از سوی ماموران امنیتی و وارد آمدن خسارات به برخی از ساختمانها شد.

یاد آوری میشود که در اوایل خرداد سال گذشته خشم و نفرت تلنبار شده مردم آذربایجان از ظلم و ستم و استثمار، بیکاری، فشار های اقتصادی و نبود آزادیهای سیاسی به خاطر چاپ مطلب توهین آمیزی در روزنامه دولتی ایران جرقه خورد و به یک قیام بزرگ با خواستهای دموکراتیک و انقلابی تبدیل شد. اما نبود رهبری انقلابی و حضور دسته جات ارتجاعی ناسیونالیستی و برخا فاشیستی در میان حرکت توده ای خود جوش مردمی که بی تردید دست مقامات امنیتی در سازماندهی و تعیین و برجسته کردن شعارهای ارتجاعی و فارس ستیز آنها دخالت داشت، این قیام عمومی را تضعیف نمود. رژیم با برجسته کردن حضور و شعار های این دسته جات ارتجاعی فرصت داد تا شوونیستهای فارس و ناسیونالیستهای عظمت طلب ایرانی تبلیغات زهر آگین خود را علیه این قیام و اعتراض عمومی گسرش دهند.

ادامه در صفحه ۲

هیچ کارگری نباید خود را شایسته آن بکند که یک چنین ظلم و ستم و استثمار و بی حقوقی توسط دولت و سرمایه داران براو وهم طبقه ای هایش اعمال گردد.

کارگران کارخانجات کف کار، پوشش، پنگوئن، ریسندگی و بافندگی، نختاز، پارس خودرو، الکترونیک رشت و سایر کارخانجات بحران زده استان! تنها راه پیشروی شما و تنها امید بهبود وضعیت شما و تنها وسیله مقابله با دولت و کارفرماها مشکل شدن و متحد شدن و اتکا به توانائی خود شماست.

کارگران کارخانجات کف کار، پوشش، پنگوئن، ریسندگی و بافندگی، نختاز، پارس خودرو، الکترونیک رشت و سایر کارخانجات بحران زده استان! تنها راه پیشروی شما و تنها امید بهبود وضعیت شما و تنها وسیله مقابله با دولت و کارفرماها مشکل شدن و متحد شدن و اتکا به توانائی خود شماست. برای جلوگیری از فاجعه تاسف بار خودکشی همکارانتان راهی جز غلبه بر پراکندگی و تشدید مبارزه برای تحقق خواستههایتان در پیشرو ندارید. دخیل بستن به روسای حکومت و امید داشتن به وعده وعید های آنها، جز گردن گذاشتن به تداوم فقر و ناداری، ازهم پاشی خانواده ها بروز ناهنجاریها بین جوانان شما، خودکشی ها از روی استیصال و درماندگی چیر دیگری نیست و سرمایه داران و دولت آنها از این ضعف و پراکندگی شما استفاده میکنند تا با دادن وعده و وعید شما را با انبوهی از مشکلات زندگی به درجه ناامیدی و استیصال برسانند. هیچ کارگری نباید خود را شایسته آن بکند که یک چنین ظلم و ستم و استثمار و بی حقوقی توسط دولت و سرمایه داران براو وهم طبقه ای هایش اعمال گردد.

خودکشی یکی از کارگران شرکت کف کار و تجمع اعتراضی کارگران

همزمان با برگزاری کمیسیون کارگری استان گیلان، ۲۰۰ کارگر شرکت کف کار رشت که در جریان حلقه اویز شدن همکارشان قرار گرفته بودند، در اعتراض به بی توجهی مسئولان نسبت به آینده کارگران، مقابل استانداری گیلان تجمع کردند.

ادامه در صفحه ۳

نه به ارتجاع امپریالیستی! نه به ارتجاع جمهوری اسلامی!
در صفحه ۴

باز خوانی تجربه "صندوق حمایت از کارگران زندانی" دو تعبیر از یک شعار

در صفحه ۳

بسوی پشتیبانی عملی از مبارزات هم طبقه ای های خود
در صفحه ۲

قطعنامه تجمع اعتراضی زنان در ۲۲ خرداد

در صفحه ۸

نوشتن به زبان مادری خود نیز محروم شده اند. علیه ستم جنسی، ملی و طبقاتی هستند را مبارزه برای بدست آوردن چنین حقوق انسانی مورد تاکید قرار داده است.

بطوریکه این تبلیغات در برخی از گروه‌هایی که خود را انقلابی و مدافع منافع کارگران و زحمتکشان میدانند نیز تاثیر گذاشت و احساسات

شورونستی و ناسیونالیسم عظیمت طلب ایرانی آنها را بیدار نمود. واگر از

ما بار دیگر از خواست‌های انقلابی و دموکراتیک توده‌های مردم آذربایجان پشتیبانی کرده و آنها را به مشکل شدن در محل کار و زیست و گسترش مبارزه برای سرنگونی رژیم ارتجاعی و بدست

حاکم گرفتن سرنوشت خویش فرا میخوانیم و از کارگران، زنان و جوانان انقلابی دعوت میکنیم به سازمان اتحاد فدائیان کمونیست و به کمیته ایالتی آذربایجان پیوندند و برای تحقق آزادی، سوسیالیسم و کسب حق تعیین سرنوشت مبارزه‌ای سازمانیافته و هدفمندی را درپیش گیرند.



غافلگیری و دوری از

جامعه برخی از این جریانات که به موضع گیری غلط آنها انجامید بگذریم، موضع گیری بر علیه قیام آذربایجان ناپیگیری خیلی از افراد و جریانات در دفاع از آزادیهای سیاسی و همسوئی با ارتجاعی ترین محافل هیات حاکمه ایران و اوپوزیسیون بورژوائی آن را به نمایش گذاشت.

اما خوشبختانه امسال دخالت نیروهای پیشرو و طرح شعارها و خواست‌های رادیکال و انقلابی جایی برای ظهور شعارهای ارتجاعی باقی نگذاشت و مردم با هشیاری به طرح خواستهای دموکراتیک و انقلابی خود پرداختند.

مورد پشتیبانی ما و سایر نیروها و افراد انقلابی، مترقی و آزادیخواه و سوسیالیست بوده، هست و خواهد بود.

سازمان ما با تاکید بر این حقوق پایه ای است که در برنامه سیاسی خود صراحتاً اعلام کرده است که «ایران کشوریست کثیر المله و طبقه کارگر و زحمتکشان ملیتهای مختلف مشترکاً در زنجیر اسارت سرمایه داری و ارتجاع حاکم بر سرنوشتشان بسر می برند و دارای خواستهای طبقاتی مشترکی هستند و بر علیه نظام اقتصادی اجتماعی و سیاسی حاکم مبارزه می کنند. در نتیجه سیاست طبقات ارتجاعی حاکم بر این ملیتها، کارگران و زحمتکشان، یعنی اکثریت محروم مردم در چهار گوشه ایران علاوه بر تحمل استثمار و بی حقوقی، از ستم ملی و فرهنگی نیز رنج میبرند و برای رفع آن مبارزه میکنند.

براین اساس برنامه ما بر رسمیت شناخته شدن حق اقلیت‌ها و ملیت‌های ساکن ایران در برخورداری از کلیه حقوق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، را خواهان است و برای تحقق بند ۹ برنامه خود مبنی بر «برسمیت شناختن حق ملل در تعیین سرنوشت خویش تا جدایی کامل». مبارزه میکند. و در قطعنامه پنجم بیستم خود از اتحاد و مبارزه مشترک با همه جریانات محلی که خواهان مبارزه بر

برغم تبلیغات حکومت و جریانات ارتجاعی آزادی ستیز، خواست‌های کارگران و زحمتکشان آذربایجان جدا از خواست‌های آزادیخواهانه و عدالت طلبانه سایر نقاط ایران نیست. مبارزه علیه ستم و استثمار و زور و سرکوب، مبارزه بر علیه استبداد، فساد، بیکاری، گرانی، بی مسکنی نبود تامین اجتماعی فقدان آزادیهای سیاسی، پایمال شدن حقوق زنان، کودکان، تشدید استثمار و چپاول حقوق کارگران و زحمتکشان و مبارزه برای برخورداری از حق تعیین سرنوشت و... تماماً خواستها و مطالباتی هستند که در همه نقاط جامعه ما جاریست. حق تعیین سرنوشت بمثابة یکی از حقوق دموکراتیک و پایه ای خلقهای ایران از جمله خلق آذربایجان بوسیله قدرتهای سیاسی سرکوبگر حاکم بر کشور نفی و پایمال شده است. بطوریکه حتی آنها از خواندن و

**هیچ کارگری نباید خود را شایسته آن بکند
که یک چنین ظلم و ستم و استثمار و بی حقوقی توسط
دولت و سرمایه داران بر او و هم طبقه ای هایش اعمال
گردد.**

به گزارش ایلنا، حدود ۲۰۰ کارگر شرکت کنف کار رشت که با شنیدن خبر حلق آویز کردن همکار خود، عنان اختیار را از دست داده بودند، همزمان با برگزاری کمیسیون کارگری استان گیلان، مقابل استانداری تجمع کردند. این کارگران با اشاره به این که ۱۱ ماه حقوق و مزایا، عیدی و پاداش سال‌های ۸۴ و ۸۵ و نیز بن کارگری را دریافت نکرده‌اند، افزودند: کنف کار حدود ۴ سال است به بخش خصوصی و اگذار شده، اما مشکلات این واحد از سال ۸۳ همزمان با بارش سنگین برف و تخریب مقداری از شیروانی کارخانه آغاز شد و چون رابطه کارفرما با مسئولان خوب بود، کارگران تا ۱۵ تیر ۸۵ تحت پوشش بیمه بیکاری قرار گرفتند.

این کارگران با اشاره به این که جهت پیگیری و راه اندازی کارخانه، ابتدا به اداره کل صنایع استان مراجعه کرده‌اند، گفتند: پس از آن که از برگزاری جلسه کمیسیون کارگری در رابطه با کنف کار خبردار شدیم، مقابل استانداری آمده و تجمع کردیم.

این کارگران با اشاره به این که تصمیم کمیسیون کارگری در گذشته مبنی بر بازسازی کارخانه

بوده است، گفتند: قرار بود تا مدتی که کارگران تحت پوشش بیمه بیکاری قرار دارند، کارخانه بازسازی شود، اما کارفرما در این مدت هیچ اقدامی انجام نداد و پس از شکایت کارگران، اداره کار نیز حکم بازگشت به کار کارگران را صادر کرد.

این کارگران با اشاره به این که حدود ۱۱ ماه است کارگران به کارخانه می آیند، اما از فعالیت و تولید در این کارخانه خبری نیست، گفتند: تامین اجتماعی حقوق بیمه بیکاری نمی‌دهد، کارفرما هم که کارگاه را تعطیل کرده و راه اندازی نمی‌کند و در این شرایط ۲۰۰ کارگر سرگردان شده‌اند.

این کارگران با اشاره به این که بازنشستگان کنف کار برای مطالبات حقوق خود، حکم توقیف ۸ دستگاه کلاف و ژنراتور را گرفته و صبح شنبه با حضور ماموران، این دستگاه‌ها از کارخانه خارج شده است، گفتند: با خروج این دستگاه‌ها، امکان راه اندازی کارخانه به صفر رسید.

این کارگران با اشاره به این که کنف کار در جاده تهران - رشت قرار دارد و با تولید ۱۱ میلیون تخته نخ و کیسه‌های کنفی، از بزرگترین کارخانجات کشور است، گفتند: گویا برای مسئولان، تعطیلی کارخانجات بزرگ و از دست رفتن فرصت‌های شغلی اهمیتی ندارد.

این کارگران از حضور رئیس‌جمهور در سفر استانی به گیلان و دادن وعده‌های غیر عملی انتقاد کرده و گفتند: روزی که احمدی‌نژاد در زمین ورزشی رشت سخنرانی می‌کرد، کارگران

کارخانجات کنف کار، پوشش، پنگوئن، ریسندگی و بافندگی، نختاز، پارس خودرو، الکترونیک رشت و سایر کارخانجات بحران زده استان هر یک مطالبات خود را بر روی پارچه‌های بزرگی نوشته و در مقابل دیدگان رئیس‌جمهور به نمایش گذاشتند، به امید آن که از رئیس‌جمهوری که ادعای عدالت محوری و مهرورزی دارد، کمک بگیرند.

این کارگران با اشاره به این که صبح روز ۳۰ اردیبهشت ماه ۸۶، حسن حسنی که ۱۸ سال سابقه کار در کنف کار داشت، به دلیل مشکلات شدید مالی و شرمندگی در مقابل زن و فرزند، خود را حلق آویز کرده است، گفتند:

معنای سفرهای استانی رئیس‌جمهور را هم فهمیدیم، یعنی این که عالیترین مقام اجرایی کشور به استان بیاید، وعده بدهد، وعده‌هایش عملی نشود و کارگری خود را حلق آویز کند، زیرا رئیس‌جمهور اهل شعار است و از عمل خبری نیست.

این کارگران با اشاره به این که حسن حسنی را به خاک سپرده‌اند، از رئیس‌جمهور برای حضور در مراسم ترحیم کارگری که ۱۱ ماه است حقوق نگرفته و به ناچار خود را حلق آویز کرده است، دعوت کردند.

نه به ارتجاع امپریالیستی! نه به ارتجاع جمهوری اسلامی!

برای ایجاد دنیایی عاری از ستم و استثمار به پا خیزیم!
زنده باد جنبش جهانی علیه جنگ امپریالیستی و علیه نظام سرمایه داری!

سازمان‌های امضاء کننده:

- ۴- حزب کمونیست ایران (م.ل.م) - فعالین خارج کشور
- ۵- اتحاد حب کارگری
- ۶- هسته اقلیت
- ۷- سازمان فعالین جنبش نوین کمونیستی ایران

۶۲-۵-۲۰۰۲

۱- کمیته خارج کشور حزب کمونیست ایران

۲- کمیته تشکیلات خارج کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۳- اتحاد فدائیان کمونیست در خارج کشور

نه به ارتجاع امپریالیستی! نه به ارتجاع جمهوری اسلامی!

فراخوان دعوت به شرکت در مبارزات جهانی در مقابل اجلاس G8

در روزهای ششم تا هشتم ژوئن ۲۰۰۷، سران هشت کشور صنعتی جهان (G8) در شهر هایلینگندام آلمان گرد هم می آیند تا در مورد جنایت آفرینی های بیشتر در خاورمیانه به گفتگو بنشینند و پیرامون سهم هر یک از این هشت کشور، از استثمار و غارت مردم نقاط مختلف دنیا، به چانه زنی بپردازند. احتمالاً طرح های نظامی آمریکا علیه ایران، در مرکز این گفتگوها خواهد بود.

طبق معمول هر ساله مبارزین جنبش ضد گلوبالیزاسیون از اقصی نقاط اروپا و دیگر کشورها، در مقابل گردهمایی جی هشت حضور می یابند تا صدای اعتراض و فریاد میلیاردها انسان کره زمین را به گوش جهانیان برسانند. پیش از ۱۱ سپتامبر و از زمان آغاز جنگ و اشغال افغانستان و عراق، این جنبش بزرگ ضد جهان گستردگی به صدای اعتراض میلیونی علیه جنگ امپریالیستی نیز تبدیل شده است. مبارزات جهانی در مقابل اجلاس جی هشت می تواند بازنمای وحدت انترناسیونالیستی مردم مبارز جهان علیه نظام سرمایه داری نیز باشد.

شرکت ما در این اعتراض گسترده، فرصت مناسبی برای ایجاد پیوند و همبستگی انترناسیونالیستی میان جریان کمونیستی و جنبش کارگری و انقلابی ایران با احزاب کمونیست و سازمان های رادیکال و انقلابی و مبارزین منفرد ضد سرمایه داری در اروپا و غرب و کشورهای دیگر است.

مانیروهای چپ و کمونیست، مبارزین رادیکال جنبش کارگری و سایر جنبش های آزادیخواهانه و برابری طلب بایستی فعالانه در اعتراضات مقابل اجلاس جی هشت شرکت کرده و به صف مبارزه جهانی علیه جنگ و سلطه گری نظامی امپریالیسم آمریکا و متحدانش پیوسته و با تقویت جریان رادیکال و ضد سرمایه داری در این جنبش جهانی بر ضرورت تبدیل شدن واقعی آن به صف اعتراض گسترده و مستمر علیه نظام استثمارگر سرمایه داری تاکید نمائیم و با حضور فعال خود اجازه ندهیم که سازمان ها و نهادهای مدافع بنیادگرایی اسلامی و ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی عرض اندام

کرده است، اکنون خیال دارد تا با توسل به حربه برنامه هسته ای و موقعیت اقتصادی و جغرافیای سیاسی ایران به قدرت بزرگی در خاورمیانه تبدیل شود. استراتژی بقاء جمهوری اسلامی آن است که از تهدیدهای آمریکا برای حمله نظامی به ایران به عنوان برکتی برای سرکوب دوباره جنبش کارگری و مبارزات مردم مبارز ایران بهره گرفته و نیروی ارتجاع اسلامی و ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی را پشت سر خود بسیج نماید.

روشن است که نه اهداف آمریکا برای تبدیل شدن به قدرت بلامنزاع در خاورمیانه برای تجدید آرایش سیاسی این منطقه و نه سودای جمهوری اسلامی برای یافتن جایگاهی ممتاز در نظم امپریالیستی و ارتجاعی خاورمیانه هیچ کدام ربطی به منافع کارگران و مردم ستم دیده ایران و کشورهای منطقه و جهان ندارد. ماهیت و محتوای واقعی سیاست های امپریالیستی آمریکا و دیگر قدرت های غربی و ماهیت کشمکش های اخیر آن ها در مورد پروژه اتمی با دولت ایران را بایستی پیگیرانه برای مردم روشن کرده و با هر گونه دخالت آمریکا و دیگر قدرت های غربی در امور ایران به اعتراض برخاست. برای رهایی از کابوس جمهوری اسلامی تلاش هر چه گسترده تر برای تقویت روند تشکلیابی جنبش کارگری و دیگر جنبش های اجتماعی مستقل و سازماندهی و تدارک انقلاب را باید در دستور کار قرار داد، انقلابی که سرنگونی جمهوری اسلامی از نخستین گام های آن خواهد بود.

همگام با این جنبش عظیم جهانی صدای اعتراض خود را علیه نظام سرمایه داری و علیه جنگ و سیاست سلطه طلبی امپریالیسم آمریکا و قدرت های غربی، علیه هرگونه دخالت آن ها در ایران و منطقه و علیه رژیم جمهوری اسلامی و ارتجاع مذهبی و ناسیونالیستی به گوش جهانیان برسانیم.

کارگران و مردم آزادیخواه ایران تغییر بنیادی در شرایط اسفبار حاکم بر جامعه ایران را با اتکاء به نیروی مبارزه مستقیم، متشکل و آگاهانه خود به پیش برده و علیه هرگونه مداخله امپریالیستی آمریکا و متحدان رنگارنگ آن ایستادگی خواهند کرد. جنبش قدرتمند کارگران، زنان، جنبش انقلابی کردستان، جنبش دانشجویان و معلمان مبارز و همبستگی بین المللی جنبش جهانی علیه جنگ امپریالیستی و نظام سرمایه داری نقطه اتکاء ما در سرنگونی رژیم دیکتاتوری جمهوری اسلامی و بنیاد نهادن یک جامعه آزاد و برابر شایسته انسان خواهد بود.

ادامه در صفحه ۳

کنند. این اعتراض قدرتمند جهانی لازم است صف خود را از ارتجاع اسلامی و ناسیونالیستی جدا کرده و مبارزه خود را علیه جنگ افروزی و سلطه طلبی همه کشورهای امپریالیستی و قدرت های سرمایه داری و رژیم جمهوری اسلامی پیگیرانه و مستقل دنبال نماید.

سیاست های نئولیبرالیستی امپریالیسم آمریکا و دولت های غربی نتایج زیانبار خود را در سراسر جهان به نمایش گذاشته است. جنگ خانمانسوز عراق و افغانستان سببیت نظام سرمایه داری و ماهیت واقعی "دموکراسی" آن را بروشنی به نمایش گذاشته است. میلیتاریسم امپریالیسم آمریکا و کشورهای قدرتمند سرمایه داری تحت پوشش استقرار دمکراسی در خاورمیانه بزرگ بعداز اشغال عراق باعث کشته شدن بیش از ۶۵۰ هزار نفر از مردم بی گناه و آوارگی و بی خانمان شدن بیش از ۴ میلیون نفر از ساکنان این کشور و از هم پاشیدن شیرازه زندگی اجتماعی آن ها شده و هزاران میلیارد دلار از دسترنج مردم کارگر و زحمتکش را صرف ماشین جنگی آمریکا در عراق و منطقه کرده است. استراتژی آمریکا در این منطقه در هماهنگی عملی با جمهوری اسلامی و همکاری سایر جریانات ارتجاعی پیش رفته و بیش از پیش به رشد ارتجاع فئاتیکی اسلامی و جریانات ناسیونالیستی دامن زده و به جنگ قومی و مذهبی بین شیعه و سنی یاری رسانده است.

شکست و بن بست سیاسی، نظامی آمریکا در عراق ماشین جنگی پنتاگون را چنان به گل نشانداده است که بعید به نظر می رسد حتی نئوکان های کاخ سفید نقشه یک جنگ تمام عیار از نوع عراق را علیه ایران در سر پروراند اما ارتش آمریکا با تدارک گسترده نظامی در خاورمیانه و بویژه ایجاد پایگاه های متعدد در اطراف ایران، خطر جنگ را مانند شمشیر داموکلس بر سر این کشور بلند کرده و منطقه خاورمیانه را به کانون انفجار تمام عیار جنگی تبدیل کرده است لذا در چنین شرایطی این امر نگرانی وسیعی را در میان مردم مبارز ایران و منطقه در مورد احتمال ماجراجویی نظامی آمریکایی از طرفی، و از طرف دیگر سیاست جنگ افروزانه جمهوری بوجود آورده است.

رژیم جمهوری اسلامی ایران که ۲۸ سال حکومت دیکتاتوری و خفقان خود را به کمک دولت های امپریالیستی و نهادهای سرمایه داری سرپا نگهداشته و در این میان هزاران مبارز کمونیست و انقلابی را اعدام نموده و ندای حق طلبانه هر جنبش و حرکت آزادیخواهانه ای را در نطفه خفه کرده و سرتاپای جامعه ایران را به جهنم بزرگی برای ساکنین آن تبدیل

باز خوانی تجربه "صندوق حمایت از کارگران زندانی" دو تعبیر از یک شعار

۱۵ خرداد ۱۳۸۶

اجرای طرح "صندوق حمایت از کارگران زندانی" که توسط جمعی از دانشجویان سوسیالیست دانشگاه‌های تهران در دانشگاه‌های شریف، تهران، علامه و پلی تکنیک انجام گرفت، انعکاس خبری نسبتاً مناسبی یافت و مورد تأیید و تشویق فعالان پیش‌رو و تشکل‌های کارگری قرار گرفت به طوری که تقریباً هیچ یک از فعالان و تشکل‌ها، نه تنها نقدی به آن نداشتند بلکه از آن حمایت نموده و آن را گامی مثبت ارزیابی کردند.

اگر چه برای دست‌اندر کاران برگزاری این طرح مبلغی که از این طریق جمع می‌شد اهمیت چندانی نداشت و تنها تلاشی در جهت برداشتن گامی عملی در حمایت از جنبش کارگری اهمیت داشت، با این حال در عمل، مبلغ جمع‌آوری شده هم، بیش از انتظار ما بود.

در این میان اما، تنها یک گروه چپ دانشگاهی به مخالفت با این طرح پرداخت و در اجرای آن همکاری ننمود و تلاش کرد آن را اقدامی بی‌اهمیت جلوه دهد. اگر چه ما نیز بر آن نیستیم که با اجرای این طرح تغییری اساسی را در وضعیت جنبش کارگری و پیش‌برد جنبش چپ انجام داده‌ایم!!، با این حال اجرای این طرح از اهمیت شایانی برخوردار است و شرکت کردن در چنین طرح‌هایی و تلاش در گسترش آن، کوچک‌ترین کاری است که هر گروه چپ که داعیه‌ی کارگری بودن دارد، نه تنها شایسته که لازم و ضروری است.

اختلاف نظر بر سر اجرای چنین طرح‌هایی (و مورد مشخص طرح "صندوق حمایت از کارگران زندانی") که نهایتاً خود را به صورت شرکت یک گروه و عدم شرکت دیگری در این طرح نشان داد، در یک سطح پایه‌ای‌تر، به اختلاف نظر بر سر استراتژی دو گروه چپ دانشگاهی و تفاوت در تعبیر آن دو از یک شعار واحد بر می‌گردد.

بخش چپ جنبش دانشجویی، از سه سال

قبل و در اوج خود در ۱۶ آذر سال گذشته، با برافراشتن پرچم سرخ خود، شعار «دانشجو، کارگر، اتحاد! اتحاد!» را خطاب به بدنه‌ی دانشگاه و کلیت جنبش دانشجویی مطرح کرد، که اگر چه به نظر می‌رسید، می‌باید گام‌های عملی، در جهت تحقق آن برداشته شود، با گذشت مدتی نه چندان طولانی، معلوم شد که در میان فعالان چپ دانشگاهی، دو تعبیر کاملاً متفاوت از این شعار وجود دارد.

برداشت و تعبیر چپ رادیکال، اتحاد جنبش دانشجویی با جنبش کارگری را تنها در سطح یک شعار سمبلیک ارزیابی می‌کند. چپ رادیکال که نماینده‌ی واقعی و بی‌کم و کاست «سوسیالیسم غیر کارگری» است و در عین حال (به شکل متناقضی) خود را مارکسیست می‌داند و سوسیالیسم را تنها به عنوان حربه‌ای برای پی‌گیری مطالبات مدرن و دموکراتیک جامعه درمی‌یابد، در پیش‌برد این سوسیالیسم غیر کارگری، با یک تضاد روبه‌رو می‌شود و آن جایگاه محوری «کارگر» در تئوری مارکسیستی است. برای رفع و در واقع جلوگیری از نمایان شدن این تضاد، چپ رادیکال مجبور است شعارهایی را مطرح کند. برای چپ رادیکال، «دانشجو، کارگر، اتحاد! اتحاد!» شعاری ایدئولوژیک است (دقیقاً از آن رو که این گروه، خود فرقه‌ی ایدئولوژیک است) که در واقع همان طور که گفتیم، طرح آن را از آن جهت لازم می‌داند که پوششی برای تضادهای بنیادی مطرح می‌شود تا از طریق آن چپ رادیکال، خودش را مطرح نماید.

برای چپ رادیکال این شعار به معنی قبول هژمونی‌اش در جنبش کارگری است. البته معلوم نیست این توقع که به خودی خود، هدف هر جریان سیاسی است و باید باشد، قرار است از چه طریقی محقق شود، چرا که پلاتفرم و استراتژی چپ رادیکال اساساً ربطی به طبقه‌ی کارگر ندارد، برای چپ رادیکال طبقه‌ی کارگر نیز مانند هر طبقه، قشر و گروه دیگر که از وضعیت موجود راضی نیست جلوه می‌کند که چپ رادیکال برای تبدیل شدن به نماینده‌ی سیاسی آن، راهکار مشخص و البته بی‌فایده‌ای دارد؛ قبول برنامه‌ی سیاسی چپ رادیکال! به عبارت بهتر چپ رادیکال، اهدافی مشخص دارد که بایستی برای تحقق آن نیرو و پایگاه داشت؛ طبقه‌ی کارگر پیاده نظامی است که می‌تواند این نیرو را (نه به واسطه‌ی کارگر بودنش که لاجرم منافع مشخص و متعینی را برای آن به ارمغان می‌آورد و بنابراین رسالت تاریخی مشخصی به دوش آن می‌گذارد، بلکه

به واسطه‌ی کمیتش و نارضایتی‌اش از نظم موجود) فراهم می‌آورد و بنابراین بایستی به آن تکیه کرد، درست مانند جنبش زنان و جنبش دانشجویی! به عبارت دیگر چپ رادیکال پایگاه می‌خواهد و این پایگاه ممکن است کارگران، خرده‌بورژوازی و حتی بورژوازی باشد!

برای چپ رادیکال طرح شدن شعار «دانشجو، کارگر، اتحاد! اتحاد!»، خود یک هدف است، هدفی در خود، شعاری برای مطرح کردن خودش. طرح این شعار برای چپ رادیکال، پایان کار است. در ۱۶ آذر سال گذشته این شعار با قدرت تمام مطرح شد بنابراین چپ رادیکال به هدف خود رسیده است، خودش را مطرح کرده است و برای همین هم ۱۶ آذر را دستاوردی بزرگ می‌داند.

برداشت و تعبیر چپ کارگری اما، درست در نقطه‌ی مقابل برداشت فوق قرار دارد. برای چپ کارگری، «دانشجو، کارگر، اتحاد! اتحاد!» تنها، شعاری نیست که از باورهای ایدئولوژیک برآمده باشد؛ چپ کارگری با مراجعه مستقیم به شرایط عینی جامعه و تحلیل شرایط نیروها و طبقات اجتماعی، اهمیت این شعار را دریافته و آن را مطرح کرده است. چپ کارگری، این شعار را به مثابه یک استراتژی مشخص درمی‌یابد که برای پیش‌برد یک جنبش اجتماعی مشخص (سوسیالیسم کارگری) بایستی در دستور کار قرار گیرد (دقیقاً از آن رو که چپ کارگری نه یک سکت ایدئولوژیک که یک جنبش اجتماعی با مشخص و اهدافی مشخص است). چپ کارگری، ۱۶ آذر سرخ را از آن رو دست‌آورد بزرگی می‌داند که در این روز، اتحاد جنبش دانشجویی با جنبش کارگری، با قدرت، به عنوان یک استراتژی مطرح شد.

چپ کارگری، با تحلیل شرایط کلی جامعه به این نتیجه رسیده بود که در شرایطی که از یک سو، جنبش بورژوازی دو خرداد، در رسیدن به اهداف خود شکست مفضحانه‌ای خورده است و از سوی دیگر لیبرال‌های ایرانی که تجربه‌ی قیام بهمن ۵۷ را دارند، از هر گونه اقدام اساسی با اتکا به جنبش اجتماعی داخلی، برای دموکراتیزاسیون جامعه، عاجز هستند و بنابراین یا بایستی چشم امید خود را به آن سوی اطلانتیک بدوزند و یا با چشمانی نگران، در پی یافتن متحدان حکومتی باشند،

ادامه در صفحه ۶

باز خوانی تجربه "صندوق

حمایت از کارگران زندانی دو تعبیر از یک شعار

تنها راهکار متصور برای هر گونه تغییر اساسی در جامعه،

تنها در گرو به میدان آمدن طبقه‌ی کارگر است و پیش‌روی جنبش‌های حق‌طلبانه‌ی غیر کارگری مانند جنبش زنان و دانشجویان تنها در گرو پیوستگی با جنبش اجتماعی طبقه‌ی کارگر می‌باشد. اتحاد جنبش دانشجویی با جنبش کارگری، برای چپ کارگری استراتژی‌ای است که برای برون‌رفت از وضع موجود (بی‌افقی جنبش دانشجویی برای رسیدن به مطالبات خود)، توسط چپ دانشگاهی، پیش‌رویی آن قرار داده شده است.

برای چپ کارگری، طرح این شعار تنها گام اول است، کار تازه شروع شده است. اگر هر گونه تحول در جامعه در گرو به میدان آمدن طبقه‌ی کارگر است، اتحاد جنبش دانشجویی با جنبش کارگری به این معنا است که جنبش دانشجویی، بایستی بکوشد تا موانع ورود طبقه‌ی کارگر به عرصه‌ی سیاسی - اجتماعی را در حد توان خود، بر طرف سازد. اگر چه در تحلیل نهایی همان گونه که رهایی طبقه‌ی کارگر امر خود آن است، از بین بردن موانع پیش‌برد جنبش بر ضد سرمایه نیز تنها می‌تواند توسط خود طبقه‌ی کارگر انجام شود، بی‌شک نمی‌توان از نقش پر اهمیتی که جنبش دانشجویی و جنبش زنان می‌توانند در این راستا داشته باشند، چشم

قطعنامه تجمع اعتراضی زنان در ۲۲ خرداد

از زمان صدور فرمان مشروطیت تاکنون یکصدسال می‌گذرد. در طول این صد سال که در کشور ما، قوانین مدون شده حقوق انسانی زنان نادیده گرفته شده است و از همان زمان، زنان ایرانی برای دستیابی به حقوق برابر و انسانی تلاش‌های بسیار کرده‌اند. اما هم‌چنان این روند ناعادلانه تداوم یافته است. اکنون ما شاهد آن هستیم که بن‌بست‌های قانونی و قوانین تبعیض‌آمیز، زندگی زنان جامعه ما را دچار مشکلات بسیاری کرده است و موقعیت آنان را چه در خانواده و چه در جامعه متزلزل ساخته است. این قوانین تبعیض‌آمیز خود منجر به تصویب قوانین و آیین‌نامه‌های ناعادلانه‌ی گسترده‌تری از جمله قانون قرارداد موقت کار شده که فشار آن عمدتاً بر زنان وارد می‌شود. ما زنان در ۲۲ خرداد سال گذشته اعتراض خود را به کلیه

پوشید. چپ کارگری می‌داند که برای پیش‌برد این استراتژی به تاکتیک‌های مشخصی نیاز است که بایستی متناسب با شرایط کلی جامعه به طور کلی و وضعیت جنبش کارگری و دانشجویی به طور مشخص، انتخاب شوند.

یکی از ابتدایی‌ترین و در عین حال مهم‌ترین راهکارها برای پیش‌برد اتحاد جنبش کارگری و دانشجویی، طرح مطالبات توده‌های کارگر درون دانشگاه است، آن هم نه فقط در آستانه‌ی یک می، بلکه در کل سال. انعکاس اخبار جنبش کارگری درون دانشگاه و مطرح کردن شرایط طبقه‌ی کارگر برای توده‌های دانشجو سبب می‌گردد که ذهنیت روشن (یا بالنسبه روشنی) از وضعیت جنبش طبقه‌ی کارگر و مطالبات کارگران در هر مرحله از مبارزه‌ی طبقاتی درون دانشگاه به وجود آید؛

و مسلماً هنگامی که اتحاد دانشجویان با جنبش کارگری را به مثابه افقی برای پیشرفت جنبش دانشجویی مطرح می‌کنیم، نمی‌توانیم به اهمیت این موضوع (شناخت دانشجویان از وضعیت طبقه‌ی کارگر) بی‌توجه باشیم.

در کنار این کار فعالان چپ در دانشگاه بایستی به طور خستگی‌ناپذیر به توضیح این استراتژی برای توده‌های دانشجو پردازند. از یک سو، عینی شدن شعار اتحاد دانشجویان با کارگران و تبدیل آن از یک شعار به امری ابژکتیو و واقعی به میزان زیادی در گرو اقناع دانشجویان (مشخصاً دانشجویان فعال) است (اگر چه در نهایت این مسئله تنها با پیش‌روی جنبش کارگری در

آرش صفار

قوانینی که حقوق زنان را نقض کرده، ابراز داشتیم اما هم‌چنان مطالبات به حق ما هم‌چنان بی‌پاسخ مانده است. آن روز اعلام کردیم که "تا دستیابی به حقوق برابر و انسانی از تمام شیوه‌های مسالمت‌آمیز بهره می‌جویم تا با یاری یکدیگر صدای اعتراض خود را به قوانین تحقیرآمیز موجود هرچه رساتر اعلام کنیم". از این‌روست که در سالروز ۲۲ خرداد دوباره گردهم خواهیم آمد و خواسته‌های مشخص خود را اعلام خواهیم کرد، خواسته‌هایی ابتدایی که عدم دستیابی به آنان، زندگی ما زنان از فارس و کرد و بلوچ و ترک و عرب و... را دچار بن‌بست‌های جدی کرده است. از این‌رو مطالبات ابتدایی مان را بار دیگر با صدای رسا اعلام می‌کنیم و می‌گوییم:

۱ - ما خواهان حق برابر طلاق با مردان هستیم. در قوانین ما دقیقاً ذکر شده است که "مرد هر وقت که بخواهد می‌تواند زنش را طلاق بدهد" اما تقاضای طلاق از سوی زن چنان مشروط به مواردی خاص شده است که گاهی زنان ۱۰ سال

ادامه در صفحه ۸

بسوی پشتیبانی عملی از مبارزات هم طبقه ای های خود

در پی اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه جمعی از کارگران مبارز ایران خودرو از این اعتصاب حمایت کردند. امیدواریم که این اقدام سرمشقی کارگران سایر کارخانه ها قرار گیرد و بدانند که شتر بیکاری، عدم پرداخت حقوق و اخراجهای دسته جمعی و... درخانه آنها هم خواهد خوابید لذا باید با کارگران اعتصابی و معترض کارخانه ها و مراکز تولیدی که هم اکنون با این معضلات مواجه اند اعلام همبستگی نموده و از آنها پشتیبانی کنند. علاوه بر آن این پشتیبانیها میباید از حالت معنوی، یعنی صدور اعلامیه که در جای خود بسیار مثبت و مفید هم است فراتر رود و به تدریج به پشتیبانی عملی از هم طبقه ای های خود در اشکال مختلف فراروید.

اعلام حمایت کارگران ایران خودرو از اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه کارون

کارگران آگاه و تشکلهای کارگری به یاری اعتصاب شکوهمند کارگران

نیشکر هفت تپه کارون پشتیبانیم

کارگران آگاه و انسانهای آزاده

دوستان کارگر و همکاران گرامی

به دلیل واردات بی رویه شکر و کاهش شدید نقدینگی، بیش از ۵ هزار کارگر نیشکر هفت تپه که از آغاز سال ۶۸ تا کنون دستمزد نگرفته و در اعتصاب به سر می برند، اعلام کردند که تا دریافت مطالباتشان، با این اعتصاب ادامه خواهند داد. این کارگران با تاکید بر اینکه عدهای تاجر رانت خوار وابسته به از ما بهتران، میلیونها تن شکر وارد کرده و باعث بحران صنایع قند و شکر شده اند، گفتند: انبارهای شرکت تا سقف انباشته از شکر است و بازار فروش ندارد (نقل از خبرگزاری کار).

دوستان و همکاران گرامی

در حالیکه اجلاس سازمان جهانی کار بدون حضور نمایندگان ما کارگران ادامه دارد هزاران کارگر نیشکر هفت تپه کارون به علت عدم پرداخت دستمزدهایشان دست به اعتصاب نامحدود زده اند بی شک پیروزی کارگران نیشکر در گروه حمایت و همبستگی ما کارگران بوجود

می آید اگر امروز سرمایه داران با وارد کردن شکر هزاران کارگر را در بحران عدم دریافت دستمزد گذاشته اند فردا نیز با واردات خودرو به محل کار ما حمله خواهند کرد. اینک وظیفه ما کارگران است با اتحاد خودمان اجازه ندهیم حامیان سرمایه سنگرهای کار را از دست ما بیرون بکشند هدف خصوصی سازی چیزی غیر از چپاول و بیکاری ما کارگران نیست.

آری دوستان کارگرنتیجه خصوصی سازی و رانت خواری و دلال بازی چیزی غیر از این عاید طبق کارگر نخواهد کرد. عدم دریافت دستمزد آغاز حمله حامیان سرمایه به سفره خالی کارگران می باشد و به دنبال آن اخراج های دسته جمعی و بیکاری کارگران و انباشت جیب آنان از واردات بی رویه کالا خواهد بود. تنها اسلحه کارگران در مقابل یورش به کار آنان اعتصاب و تشکل و حمایت ما کارگران از هم طبقه های خودمان می باشد پیروزی کارگران نیشکر کارون در اتحاد و پشتیبانی همه کارگران ایران از آنان می باشند.

ما جمعی از کارگران ایران خودرو از اعتصاب شکوهمند کارگران نیشکر هفت تپه حمایت کرده و از همه کارگران و سازمانهای مدافع حقوق بشر می خواهیم که کارگران اعتصابی را تنها نگذارند.

پیروزی طبقه کارگر در اتحاد و همبستگی طبقاتی ما کارگران می باشد

پیام کارگران ایران خودرو به کارگران اعتصابی نیشکر هفت تپه.

کارگران زحمتکش نیشکر هفت تپه به اعتصاب شکوهمند خودتان تا رسیدن به خواستههای برحقان ادامه بدهید ما کارگران ایران خودرو در سنگر مبارزه علیه حامیان سرمایه شما را تنها نخواهیم گذاشت.

**زنده باد مبارزه کارگران نیشکر کارون
زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران
جمعی از کارگران شرکت ایران خودرو**

قطعنامه تجمع اعتراضی زنان در ۲۲ خرداد

مانند پدر حق ولایت و سرپرستی بر فرزند خود را داشته باشد.

۵ - ما خواهان آن هستیم که سن مسئولیت کیفری برای دختران و پسران به ۱۸ سال تغییر یابد. یعنی اگر دختری ۹ ساله و پسری ۱۵ ساله مرتکب خطایی شود او را مانند یک فرد بزرگسال مجازات نکنند، چون طبق قوانین حقوق بشری و نیز کنوانسیون حقوق کودک، افراد زیر ۱۸ سال کودک به حساب می آیند. از این رو ما می خواهیم که مسئولیت سن کیفری هم برای دختران و هم پسران به ۱۸ سال تغییر یابد.

۶ - ما خواهان حق شهادت برابر با مردان و حق قضاوت برای زنان در دادگاهها هستیم. ما می خواهیم در همه ی موارد، شهادت ما در مجامع قضایی مانند یک مرد پذیرفته شود و زنان از حق قضاوت برخوردار باشند و بتوانند مانند مردان در دادگاهها رای صادر کنند و نه صرفا به عنوان مشاور استخدام شوند.

۷ - و بالاخره ما خواهان آن هستیم که "قراردادهای موقت کار" که زندگی زنان شاغل را بیش از مردان دچار تزلزل و فروپاشی می کند به سرعت لغو گردد و زنان و مردانی که استخدام می شوند با قراردادهای رسمی کار، آینده ی شغلی شان تضمین گردد.

و در نهایت اعلام می کنیم که چنانچه به خواسته های برحق ما زنان پاسخ داده نشود به اعتراض مسالمت آمیز خود ادامه خواهیم داد.

برای گرفتن طلاق باید در دادگاهها سرگردان شوند و از سوی دیگر تجربه ی زندگی زنان نشان داده است که قانون "شروط ضمن عقد" نه تنها نمی تواند بار مشکلات زنان را حل کرد، بلکه در بسیاری موارد در همان اوایل ازدواج، منجر به درگیری ها و سوء تفاهم های بسیاری می شود.

۲ - ما خواهان ممنوعیت تعدد زوجات هستیم و می خواهیم در قانون صریحا چندهمسری ممنوع اعلام شود.

۳ - ما خواهان حقوق برابر در ازدواج هستیم از جمله لغو قانون مشروط شدن شغل زن به اجازه ی مرد، بالا بردن سن ازدواج دختران (از ۱۳ سال) و پسران به ۱۸ سالگی، لغو اجازه پدر و جد پدری در ازدواج دختران، لغو قانون تمکین، لغو مشروط کردن سفر و خروج از کشور زنان متأهل به اجازه ی مرد، لغو قانونی که ریاست خانواده را به طور مطلق در اختیار مرد قرار می دهد و عدم مشروط شدن تابعیت زنان و فرزندان به تابعیت شوهر و...

۴ - ما خواهان حضانت و به ویژه ولایت فرزند توسط پدر و مادر به طور مساوی هستیم. در قانون مدنی ما مادر، هیچ وقت نمی تواند سرپرست فرزندش باشد و حتی در صورت نبود پدر و جد پدری نیز سرپرستی فرزندان به مادر تعلق نمی گیرد و زن می تواند تنها قیم فرزند خود باشد.

از این رو ما می خواهیم سرپرستی و اداره ی امور مالی، تصمیم در مورد تحصیل، محل زندگی، اجازه خروج از کشور، اظهار نظر و اجازه در مورد مسائل درمانی کودک و بسیاری از موارد دیگر برعهده ی پدر و مادر به طور مشترک قرار گیرد و مادر نیز



کار کمونیستی

زیر نظر شورای مرکزی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
منتشر میشود.

فاکس اتحاد فدائیان کمونیست
+۹۶۱ ۳۱۷۷۹۲۵۷۱

سایت سازمان در اینترنت

www.fedayi.org

روابط عمومی

webmaster@fedayi.org

شورای مرکزی

centralconcil@fedayi.org

نشریه کار کمونیستی

kar@fedayi.org

کمیته کردستان

kurdistan@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azer@fedayi.org

امور پناهندگی

panahjo@fedayi.org